

تحلیل سطح توانمندی‌های نظامی ایران و عراق در طول جنگ تحمیلی

تاریخ ارائه: ۱۴۰۶/۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۷/۱۷ نویسنده: سیدحسین ولی‌پور زرومی*

کلید واژه‌ها

توانمندی نظامی، جنگ تحمیلی، قدرت معنوی، هزینه نظامی، ایران، عراق

چکیده

با نگرشی کلی به جنگ تحمیلی عراق برضد ایران می‌توان به دو نتیجه تناقض‌ناقص‌نا دست یافت. از یک سو قدرت معنوی موجود در نزد نیروهای ایرانی، عامل اصلی ناکام ماندن دشمن در راه رسیدن به اهدافش بود. در واقع برای بیرون راندن نیروهای عراقی از مناطق اشغالی، قدرت ایمان و روحیه انقلابی مردم دارای نقش اساسی بود. از سوی دیگر غافلگیر شدن نیروهای ایرانی در ابتدا و انتهای جنگ در نتیجه توان بالای نظامی عراق و نیز دست نیافتن به یک پیروزی بزرگ از سوی رزمندگان اسلام که می‌توانست عامل فشاری برای تحمیل صلح بر دشمن باشد نشان داده‌است که نمی‌توان به جنبه سخت‌افزاری نظامی بی‌توجه بود. با توجه به این دو بعد در این مقاله تلاش شده‌است تا سطح توانمندی‌های نظامی دو کشور در طول جنگ مورد تحلیل قرار گیرد. در این تحلیل از یک سو شکاف موجود میان کمیت نیروهای سخت‌افزاری دو کشور مورد توجه قرار گرفت و از سوی دیگر منحنی کاهش یا افزایش این نیروها در سالهای گوناگون جنگ به نمایش درآمده‌است.



* آقای سیدحسین ولی‌پور زرومی، کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک دفاعی‌اند.

مقدمه و طرح مسأله

شاید بتوان جنگ تحمیلی عراق برضد ایران را آخرین جنگ کلاسیک بزرگ به حساب آورد. در نگرشی کلی به این جنگ می‌توان به این نتیجه رسید که هرچه به پایان جنگ نزدیک می‌شویم، به کارگیری جمله معروف مائو که گفته بود: «قدرت از لوله تفنگ بیرون می‌آید» از سوی نیروهای عراقی مصداق بیشتری پیدا می‌کند. در واقع دشمن برای مقابله با قدرت متکثر موجود در میان رزمندگان ایرانی که باعث شده بود وسایل کسب قدرت را به ماورای مسائل نظامی نیز گسترش دهد، چاره‌ای جز پیروی از اصول کلاسیک و مائوئیسم نداشت. تجربیات جنگ نشان داده‌است که دولت بعثی تنها با اعتماد به توان نظامی و نه هیچ عامل دیگر، به جنگ با ایران پرداخت. در طول جنگ نیز تمامی حمایت‌هایی که از عراق می‌شد در راستای بالابردن توانمندی نظامی این کشور بود. در مقابل، جبهه رزمندگان اسلام تعریفی متفاوت از ابزارهای قدرت داشت. این تفاوت بخصوص در سالهای اول جنگ بخوبی پیداست. تنها عاملی که توانسته بود دشمن بعثی را از خاکهای اشغال شده به عقب براند، قدرت معنوی و روحیه شهادت‌طلبی مردم و رزمندگان اسلام بود. توانایی اندکی که از نظر نظامی دارا بودیم، در نتیجه اصل غافلگیری صدام در شروع جنگ و نیز کنترل ناپذیریهای ناشی از فروپاشی رژیم گذشته ناکارآمد جلوه می‌کرد. لذا برای دفاع از کشور تنها مجهز به قدرت ایمان و روحیه انقلابی بودیم. در تمامی طول جنگ، برتری تواناییهای نظامی عراق بر ایران به طور کامل هویدا بود. اما با ترکیب مؤثر تواناییهای معنوی و تواناییهای اندک نظامی با یکدیگر از سوی نیروهای اسلام، معادله جنگی در بیشتر زمانها به نفع نیروهای ایرانی و تحت مدیریت رزمندگان اسلام بود. هنوز مدتی از جنگ نگذشته بود که با شروع فتوح در رزمندگان اسلام، تقاضای صلح از جانب رقیب طماع و نیز دوستداران وی مطرح شد. زمین‌گیر شدن دشمن در خاک خود و اتخاذ موضع به طور کامل دفاعی تا اواخر جنگ، نشان از موفقیت‌های نیروهای ایرانی در مدیریت میان تواناییهای گوناگون داشت.

روی دیگر سکه را نیز نباید از نظر دور داشت. به‌رغم زمین‌گیر شدن نیروهای دشمن در خاک خود، در نتیجه توان بالای قدرت معنوی رزمندگان اسلام، ما نتوانستیم به آن پیروزی که برای شروع صلح و آتش‌بس نیاز داشتیم دست پیدا کنیم. به این معنی که اگر به تحولات جنگی نگاهی بیفکنیم می‌بینیم که پس از آزاد کردن مناطق اشغالی، این فکر در میان رزمندگان ایرانی حاکم شده‌بود که باید جنگ را از راه یک پیروزی بزرگ و به

دست آوردن یک امتیاز بزرگ در خاک عراق به اتمام برسانیم.^(۱) به عنوان مثال فتح بصره می توانست زمینه و عامل خوبی برای برقراری صلح باشد. در نتیجه این پیروزی، از یک طرف دشمن در نهایت ضعف از در صلح با ما وارد و لذا ناچار می شد شرایط ما را بپذیرد و از طرف دیگر از نظر روحیه ملی و ذهنیت تاریخی می توانستیم این یادگار را به ارث بگذاریم که در جنگ تحمیلی دشمن را وادار به قبول شکست کردیم. شاید دلیل اصلی تطویل جنگ در همین نقطه محوری قرار داشت. کم کم تجربه ثابت کرد که علاوه بر قدرت ایمان و روحیه، در جنگ باید به توانمندیهای مؤثر نظامی نیز مجهز بود. در واقع تا آنجایی که مربوط به وطن اسلامی بود، انگیزه‌های ناب مذهبی مسبب اصلی پیروزیهای نیروهای ایرانی بود ولی در آنجایی که مربوط به تصرف برخی از مناطق دشمن برای کسب عامل فشار بود، توان بالای نظامی نیز لازمه کار بود. در اواخر جنگ، به خاطر وخیم شدن شرایط اقتصادی کشور و تهی شدن منابع تسلیحاتی، به طور مجدد نیروهای دشمن از راه اصل غافلگیری و بهره‌گیری از شرایط منفی موجود در نزد نیروهای ایرانی مدیریت جنگ را به دست گرفتند. در اینجا ثابت شده بود که باید در کنار تواناییهای معنوی از تواناییهای نظامی نیز بهره‌مند بود. بعدها پس از اتمام جنگ و سروسامان دادن اولیه به خرابیهای ناشی از جنگ می بینیم که توجه به توانمندیهای نظامی نیز در دستور کار استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی قرار گرفت و در واقع تجربیات جنگی زمینه را برای اتخاذ استراتژی بازدارندگی از سوی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد.

در هر حال، هر جنگی به تبع خود توجه به تواناییهای نظامی را به دنبال دارد. در واقع نخستین تأثیری که جنگ در سیاستهای ملی یک کشور بجای می‌گذارد، بالا رفتن هزینه‌های جنگی و نیز بودجه دفاعی آن کشور است. در طول جنگ به رغم همت مردم و روحیات شهادت‌طلبی رزمندگان اسلام ناچار بودیم که توجه‌ای ویژه به ابزارهای نظامی و خریدهای تسلیحاتی کنیم. در ادامه این مقاله، ابتدا جایگاه هزینه‌های نظامی را در کل درآمدهای ملی بررسی می‌کنیم و سپس سطح توانمندیهای دو کشور ایران و عراق را در طول جنگ به نمایش می‌گذاریم.

۱- برای مطالعه این بحث رجوع شود به مقاله: محمد درودیان، "نقش و تأثیر تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر بر بلوغ و تکامل نیروی دفاعی ایران"، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال هشتم، ش ۳۱ (تابستان ۱۳۷۹)، صص ۲۴-۲۵.

جنگ تحمیلی و افزایش هزینه‌های نظامی

ارتش عراق در سال اول جنگ براحتی مناطقی وسیع از کشور را به تصرف درآورد. شروع جنگ و اهمیت تواناییهای نظامی در طول این جنگ، نشان داد که هنوز برای کشورهای چوچون ایران (و دیگر مناطق جهان سوم)، قدرت نظامی برای تأمین امنیت ملی بسیار مهم است. در هر حال با حمله عراق در شهریور ۱۳۵۹ هـ ش سیاست کاهش هزینه‌های نظامی به وسیله ایران نیز پایان یافت. در ظرف یک سال پس از شروع جنگ هزینه‌های نظامی ایران ۲۱۸ درصد افزایش پیدا کرد و از ۳۱۷ میلیارد ریال به ۱۰۰۷ (۱۳۶۰) میلیارد ریال رسید. این رقم در سالهای ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ هـ ش به ترتیب به ۱۳۰۰، ۱۵۰۰، ۱۸۵۳ و ۱۲۹۵ میلیارد ریال رسید.^(۱) برای تبیین بهتر افزایش هزینه‌های نظامی ایران در طول جنگ، کل واردات تسلیحاتی و غیرتسلیحاتی ایران در طول این دوره به صورت جدول زیر نمایش داده می‌شود:^(۲)

جدول شماره ۱

سال	تسلیحات نظامی وارداتی	تسلیحات غیرنظامی وارداتی	کل واردات	نسبت تسلیحات نظامی به کل واردات
۱۳۵۸	۱۳۹ (میلیارد ریال)	۶۸۶	۸۲۵	۱۶/۸
۱۳۵۹	۱۵۹	۸۶۳	۱۰۲۲	۱۵/۶
۱۳۶۰	۵۰۴	۹۸۵	۱۴۸۹	۳۳/۸
۱۳۶۱	۶۵۰	۱۱۸۵	۱۸۳۲	۳۵/۴
۱۳۶۲	۷۵۰	۱۵۸۳	۲۳۳۳	۳۲/۱
۱۳۶۳	۹۲۷	۱۳۲۸	۲۲۵۵	۴۱/۱
۱۳۶۴	۶۴۸	۱۰۶۱	۱۷۰۹	۳۷/۹

با توجه به جدول بالا مشخص می‌شود که به طور میانگین بین سالهای ۱۳۶۰-۶۴،

1- Kamran Mofid, *The Economic Consequences of Gulf War*, London : Routledge, 1990, pp.66-67.

2- *Ibid.*, p.70.

تحلیل سطح توانمندیهای نظامی ایران و عراق در طول جنگ تحمیلی _____ ۵

واردات سالانه تسلیحات به نسبت کل واردات ۳۶/۱ درصد بوده است. هزینه‌های جنگی ۱۵/۱ درصد از کل تولید ناخالص ملی را در طول جنگ دربر می‌گیرد. این نسبت برای عراق ۳۴/۶ درصد بوده است. درصد رشد این هزینه‌ها در دوره جنگ به نسبت دهه ۱۳۵۰ برای ایران ۹۷٪ و برای عراق ۴۷/۱٪ بوده است.^(۱)

افزایش مبانی امنیت نظامی عراق در طول جنگ تحمیلی

نظام سیاسی عراق امنیت داخلی خویش را همواره از راه کاربست مخصوص روابط نظامیان با حکومت حفظ کرده است. تنظیم روابط سیاسی - نظامی بویژه در دوران صدام از مشخصات منحصر به فردی همانند پاکسازی‌ها و تصفیه حسابهای خونین و فرماندهی چرخشی در میان نظام بر خوردار بوده است. در واقع صدام حسین برخلاف سیاستمدارانی چون حسنی مبارک و شاه حسین که تلاش کرده‌اند با دادن امتیازات ویژه تبعیت نظامیان را از رژیم جلب کنند، همواره تلاش داشته است تا با محور قرار دادن حزب بعث در رأس نظام، با اعمال و شیوه‌های بسیار بی‌رحمانه که جرأت جسارت را از دیگر نظامیان سلب می‌کند، پایه‌های رژیم خویش را حفظ کنند.^(۲) از سوی دیگر در طول جنگ از تمرکزگرایی ساختاری موجود در نظام سیاسی عراق شرایط محیطی لازم را برای ایدئولوژی نمودن جنگ تحمیلی علیه ایران استفاده کرد. برجسته کردن ناسیونالیسم عرب و شعله‌ور ساختن احساسات عربی در سایه طرح اختلاف قدیمی از راهکارهایی است که رژیم عراق برای تقویت امنیت داخلی و تهییج نظامیان برای تداوم جنگ با ایران به کار برده است.

به‌رغم حفظ و تقویت سیستم داخلی، نظام بین‌الملل بیشترین سهم را بر تداوم توانمندی عراق در طول جنگ داشته است. در اینجا نظام بین‌الملل اعم از سیستم منطقه‌ای و سیستم بین‌المللی است. در هر دو سطح یاد شده همکاریهای گسترده برای تقویت توانمندی نظامی عراق در برابر ایران شده است. در سطح منطقه‌ای، رژیمهای محافظه‌کار، بیشترین سهم را در توانمندی نظامی عراق داشته‌اند. این رژیمها با تصور تهدید انقلاب اسلامی برای منطقه حتی از روز اول جنگ با رژیم عراق همکاری

1- Ruth Sivard, *World Military and Social Expenditures*, Washington, (Various Years).

2- Risa Brooks, *Political - Military Relations and the Stability of Arab Regimes*, Oxford : International Institute For Strategic Studies, 1998, pp.73-74.

داشته‌اند. به اعتقاد برخی تحلیلگران، عربستان سعودی و برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حتی قبل از حمله عراق به ایران از آن با خبر بوده‌اند. در واقع عراق قبل از حمله به ایران آنها را مطلع کرده‌بود و آنها نیز مخالفتی نکرده‌بود.

به گفته ویلیام لیمن، مفسر برنامه تلویزیونی Front Line، پرهزینه‌ترین طرح مشترک آمریکا و عربستان مربوط به کوشش برای مهار انقلاب ایران بود و صدام حسین وسیله انجام این مقصود گردید. به گفته وی کمک به عراق از سوی سعودیها، از طریق آواکسهایی که از عربستان پرواز می‌کردند صورت می‌گرفت و به عراق تحویل داده می‌شد. به گفته جیمز آکینر، سفیر پیشین آمریکا در عربستان، این کشور در طول جنگ عراق با ایران ۴۰ میلیارد دلار و کویت ۲۰ میلیارد دلار به عراق کمک مالی کرده‌اند. اضافه آنکه به گفته لیمن، سعودیها برای ساختن بمب‌اتمی به وسیله عراق، ۵ میلیارد دلار به این کشور کمک کرده‌اند.^(۱)

علاوه بر کمکهای مالی و اطلاعاتی و نیز فعالیتهای سیاسی برای تقویت بنیه امنیتی عراق در برابر ایران، عربستان هشت ماه پس از آغاز جنگ با همراه کردن پنج کشور دیگر خلیج فارس "شورای همکاری خلیج" را تأسیس کرد. این شورا به دنبال کاهش تواناییهای نظامی عراق در خاک ایران و با هدف صوری همکاری اقتصادی و فرهنگی بین اعضا ایجاد شد. ناگفته پیداست که مقابله با انقلاب ایران و مقاومت در برابر گسترش دیدگاههای آن در منطقه از جمله اهداف این شورا بود. این شورا توانست از راه وام و کمکهای بدون عوض به عراق (حدود ۳۵ تا ۴۵ میلیارد دلار) و فروش نفت منطقه بی‌طرف به میزان ۳۵۰ هزار بشکه در روز به حساب این کشور و همچنین حمایتهای سیاسی گوناگون مختلف از عراق در برابر ایران حمایت نمایند.^(۲)

علاوه بر سیستم منطقه‌ای، قدرتهای بین‌المللی نیز سهم بسزایی در تقویت بنیه نظامی عراق داشته‌اند. در این میان آمریکا و شوروی به عنوان ابرقدرتهای موجود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. جدا از سیاست تضعیف ایران در برابر عراق از سوی آمریکا که در تمامی طول جنگ به کار گرفته می‌شد، سیاست تقویت توانمندی نظامی

۱- برنامه تلویزیونی Front line، روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی، ترجمه بهمن همایون،

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۷۲-۷۱، (مرداد و شهریور ۱۳۷۲)، ص ۶۷.

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: بهمن نعیمی‌ارفع، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در

قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

عراق از سوی این کشور، دارای برجستگی خاصی است. شواهد موجود حاکی است که به‌رغم ادعای امریکا مبنی بر بی‌طرفی اولیه در جنگ، این کشور از همان روز اول جانب عراق را گرفته بود. برطبق این شواهد، از مدتها قبل از ایجاد جنگ میان عراق و ایران، هواپیماهای جاسوسی آواکس آمریکایی که به ظاهر به منظور دفاع از عربستان سعودی در این کشور استقرار یافته بودند، اطلاعاتی در زمینه نقل و انتقالات نظامی ایران در اختیار عراق قرار می‌دادند.^(۱)

در مراحل بعدی، به مرور که رزمندگان اسلام بر صحنه جنگ تسلط می‌یافتند، مداخله مستقیم امریکا در جنگ جنبه علنی‌تری پیدا کرد. ایالات متحده در درجه اول سعی کرد تا از متحدان غربی و منطقه‌ای خود بخواهد که کمکهای نظامی خود را به سمت عراق سرازیر کنند. و در درجه بعدی، خود نیز وارد عمل شود. تأیید و تشویق حمله‌های عراق بر نفتکشهای ایرانی و در اختیار گذاشتن کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به عراق برای خروج از رکود غذایی، از جمله اقدامات امریکا در این دوره است.^(۲) در سال ۱۳۶۱ هـ.ش این کشور، عراق را از لیست رسمی دولتهای به اصطلاح تروریسم خارج کرد و از این طریق راه را برای سرازیر کردن کمکهای نظامی باز نمود. در پایان در سال ۱۳۶۳ هـ.ش به طور مجدد روابط رسمی خود را با عراق برقرار کرد. این اقدامات عراق را واجد شرایط لازم برای گرفتن تجهیزات و تکنولوژی دو منظوره از ایالات متحده قرار داد که می‌توانست برای اهداف نظامی و غیرنظامی مورد بهره‌برداری قرارگیرد. این اقدامات راهی را برای دولت ریگان باز کرد که بر مبنای آن اجازه صدور ۶ هواپیمای نظامی "Bolockheed" را به عراق صادر کند. پس از آن اجازه فروش ۶ فروند هواپیمای جت کوچک به عراق داده شد. این کمکها هنوز کافی نبود. لذا امریکا در سال ۱۳۶۳ اعلام کرد که شکست عراق از ایران با منافع ایالات متحده مغایر است و اقداماتی اتخاذ شد تا از این امر جلوگیری شود. در همین راستا در سال ۱۹۸۵ م، ۴۵ هلیکوپتر بزرگ به عراق داده شد که دارای کاربردهای دو منظوره بودند.^(۳)

از استثنائات مهم زمان جنگ سرد، حمایت دو ابرقدرت از یک دولت، یعنی رژیم

۱- آنتونی فرانسیس بویل، "سیاست خارجی امریکا در قبال جنگ ایران و عراق"، ترجمه حسین شریفی

طرازکوهی، *مجله سیاست دفاعی*، سال چهارم، شماره ۳ و ۴ (تابستان و پاییز ۱۳۷۵)، ص ۹۹.

۲- حسین اردستانی، *جنگ عراق و ایران؛ رویارویی استراتژیها*، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳.

۳- آنتونی فرانسیس بویل، *همان*، صص ۱۰۳-۱۰۲.

عراق در برابر ایران بود. شوروی نیز در طول جنگ به تقویت نظامی عراق پرداخت. این کشور به رغم سیاست بی‌طرفی در سالهای نخست جنگ، کم‌کم احساس کرد که با اتخاذ این سیاست نفوذ خود را در جهان عرب از دست می‌دهد. از سالهای ۱۳۶۱ هـ.ش به بعد شوروی در بن‌بست میان بی‌طرفی کامل از یک طرف و بی‌طرفی فعال به نفع عراق از طرف دیگر، دومی را در پیش گرفت. به این ترتیب این کشور آشکارا کمک نظامی و اقتصادی خود به عراق را از سرگرفت. از سال ۱۳۶۵ هـ.ش به بعد و به دنبال تغییر سیاست ابرقدرتها در قبال جنگ تحمیلی از حالت یک جنگ فرسایشی به اتمام جنگ، کمکهای نظامی شوروی به عراق چندین برابر شد.^(۱) در این دوره این کشور با فرستادن محموله‌های بزرگ نظامی به عراق سعی کرد تا ایران را بر پذیرش توافق سیاسی با صدام مجبور سازد. شورویها بین سالهای ۱۳۶۷-۱۳۶۵ سلاحهایی به ارزش تقریبی ۸/۸ تا ۹/۲ میلیارد دلار به عراق تحویل دادند.^(۲)

علاوه بر دو ابرقدرت موجود، فرانسه مهمترین کشوری بود که نقش اساسی در تقویت بنیه نظامی عراق داشت. از نظر حجم محمولات نظامی فرانسه به همراه شوروی اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان عراق بودند. تنها در سال ۱۳۶۴ حجم جنگ افزارهای ارسالی فرانسه به عراق ۵/۶ میلیارد دلار بوده‌است. علاوه بر این قدرتها، سازمانهای بین‌المللی نیز با سکوت خویش سهم بسزایی در تداوم جنگ و نیز تشویق تجاوزگریهای رژیم صدام داشته‌اند.^(۳)

بررسی تلاشها و تواناییهای نظامی ایران و عراق

با شروع فتح‌های نیروهای ایرانی در سالهای ۱۳۶۴ هـ.ش و ۱۳۶۵ هـ.ش و نفوذ ذی‌داخل خاک عراق و احتمال سقوط بصره، تلاش جهانی بر پایان دادن به جنگ قرار گرفت. با توجه به شرایط اصولی جمهوری اسلامی ایران، این تلاشها با فشارهایی گوناگون همراه بود. از جمله می‌توان از به راه انداختن "جنگ نفت" در اوپک از سوی عربستان، کمکهای تسلیحاتی فراوان جهانی به عراق، ورود و تقویت ناوگان آمریکا

۱- محی‌الدین مصباحی، "شوروی و جنگ ایران و عراق"، ترجمه قرارگاه فرماندهی نصر، *مجله سیاست دفاعی*، سال چهارم، شماره ۳ و ۴ (تابستان و پاییز ۱۳۷۵)، صص ۱۷۹-۱۷۶.

۲- همان.

۳- حسین اردستانی، همان، ص ۱۲۷.

در خلیج فارس و به راه انداختن جنگ نفتکشها^(۱)... نام برد.

ایران در پی آغاز این فشارها اقداماتی برای تقویت تواناییهای نظامی خود انجام داد. از جمله اینکه تولید موشکهای خود را از سر گرفت و همچنین توانایی خود را برای تولید سلاحهای سبک، مهمات، خمپاره‌انداز، توپ و قطعات هواپیما گسترش داد.^(۲) با این حال به تشدید انعقاد پیمانهای نظامی با کشورهای طرف قرارداد خود پرداخت.

تعداد قراردادهایی که در سه سال آخر جنگ با خارج بسته شد ۲۱ مورد بوده است. این نسبت در مجموع سی و یک قراردادی که ایران در طول جنگ، با کشورهای دیگر منعقد کرد، زیاد به نظر می‌آید. با این وصف قراردادهای نظامی ایران در مقایسه با قراردادهایی که به وسیله عراق در طول این دوره با کشورهای دیگر بسته بود، به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. این کشور در طول جنگ ۱۰۳ قرارداد نظامی با خارج منعقد کرد.^(۳) ضمن اینکه کمکهای سرشاری نیز در زمینه‌های غیرنظامی به خصوص از طرف کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس دریافت کرد. این کمکها در دو سال آخر جنگ به شدت افزایش پیدا کرد. با این تمهیدات بود که عراق توانست بعد از گذشت ۸ سال از جنگ نیروهای خود را بازسازی کند و براحتی خاکهای از دست رفته خود را آزاد نماید و برخی از تجهیزات عمده نیروهای نظامی ایران را تخریب کند.^(۴) برتری عراق تا حد زیادی به ضعف ذخایر نظامی ایران نیز مربوط بود. این ذخایر در پایان جنگ به گونه‌ای خطرناک پایین بود. به عنوان شاخص، رقم کل واردات تسلیحاتی ایران در دو سال آخر جنگ کمتر از ۱/۵ میلیارد دلار بود، در حالی که رقم مشابه برای عراق ۸/۲ میلیارد دلار بوده است.^(۵) برای تبیین بهتر برتری توانمندیهای نظامی عراق در طول جنگ و به خصوص در اواخر آن تسلیحات مهم دو کشور را در دو جدول جداگانه از دو محقق به

۱- در این جنگ با حمله امریکا به سکوهاى نفتى سلمان و نصر، حدود یک میلیارد دلار خسارت به ایران وارد شده بود؛ به نقل از *ماهنامه رویدادها و تحلیلهای*، شماره ۴۴، مورخه ۱۳۶۷/۳/۲۶.

۲- هوشنگ امیراحمدی، "سیاست خارجی منطقه‌ای ایران"، ترجمه علیرضا طیب، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۷۱-۷۲، (مرداد و شهریور ۱۳۷۲)، ص ۱۰.

3- Kamran Mofid, *Ibid.*, pp.98-101.

4- Anthony H. Cordesman, *Iran and Iraq threat from the Norther Gulf*, Oxford, Westview Press, 1994, p.17.

۵- هوشنگ امیراحمدی، *همان*.

نمایش می‌گذاریم: جدول شماره دو تنها به ادوات سنگین نظامی توجه دارد: (۱)

جدول شماره ۲

عراق				ایران				
۱۳۶۶/۶۷	۱۳۶۳/۶۴	۱۳۵۹/۶۰	۱۳۵۸/۵۹	۱۳۶۶/۶۷	۱۳۶۳/۶۴	۱۳۵۹/۶۰	۱۳۵۸/۵۹	
۶۳۱۰	۴۹۲۵	۲۸۵۰	۱۹۰۰	۱۳۱۰	۱۰۵۰	۱۹۸۵	۱۹۸۵	تانک
۵۰۰	۵۸۰	۳۳۹	۳۳۹	۶۰	۹۵	۴۴۵	۴۴۵	هواپیمای جنگی
۴۲۲	۳۸۱	۲۷۴	۳۳۱	۳۰۰	۳۲۰	۶۸۴	۶۸۴	هلیکوپتر
۴۰۰۰	۳۲۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰	۱۰۶۰	۱۱۹۰	۸۲۵	۸۲۵	نفربر زرهی

جدول شماره ۳ مربوط به محقق معروف جنگ آنتونی کوردزمن است: (۲)

جدول شماره ۲

عراق				ایران				
۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۷۸	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۷۸	
۱۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۲۴۳۰۰۰	۲۱۲۰۰۰	۶۰۴۰۰۰	۱۰۳۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۴۱۳۰۰۰	جمع کل نیروهای نظامی
۱۰۰۰۰۰۰	۹۵۵۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۵۵۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	نیروهای زمینی
۵۵۰۰	۴۵۰۰	۲۷۵۰	۸۰۰-۲۴۵۰	۵۰۰-۶۰۰	۱۰۰۰	۱۷۳۵	۱۶۲۰-۱۷۷۵	تانک
۴۷۵۰	۴۷۰۰	۲۵۰۰	۵۰۰-۱۶۰۰	۷۰۰-۸۰۰	۱۰۶۰	۱۰۷۵	۱۰۷۵-۱۳۰۰	نفربر زرهی
۲۸۰۰	۳۰۰۰	۱۲۴۰	۹۵۶-۱۱۶۰	۸۵۰-۹۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۷۸۲-۱۲۲۵	توپخانه
۵۰۰-۸۰۰	۵۰۰	۳۳۲	۴۵۰-۴۷۰	۶۰-۱۶۵	۶۰-۱۰۰	۴۴۵	۴۵۹-۴۷۰	هواپیمای جنگی

با توجه به کاملتر بودن جدول شماره ۳، می‌توان به تحلیلی دقیق‌تر نیز درخصوص توانمندیهای نظامی ایران و عراق در طول جنگ دست یافت. براساس این جدول

1- Kamran Mofid, *Ibid.*, p.73 and p.88.

2- Anthony Cordesman, *Ibid.*, p.15.

می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱- نخستین تغییری که در این جدول به چشم می‌خورد فاصله زیاد میان تعداد نیروهای نظامی ایران در طول دو سال ۱۹۷۸م. و ۱۹۸۰م. می‌باشد. به نظر می‌رسد در طول این دو سال نیروهای نظامی ایران حدوداً به نصف تقلیل پیدا کرد. این مسئله به رویکرد اولیه دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فردای پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. به طور کلی دولت انقلابی جدید، دارای دیدگاههایی خاص درباره امنیت ملی نظام بود. این دیدگاه مبتنی بر اولویت ایدئولوژی و شور انقلابی بود. در این میان، قدرت نظامی چندان جایگاهی برای تأمین امنیت ملی نداشت. در واقع برای مبارزه با قدرتهای امپریالیستی به اهرمهایی نیاز بود که از عهده تواناییهای نظامی کشور خارج بود. به تعبیری می‌توان گفت دامنه مفهوم امنیت ملی نظام در سالهای نخستین انقلاب بسیار منبسط شده بود.^(۱) این رشد مفهومی در تعریف امنیت ملی بخصوص از راه ابزارهای سیاسی و ایدئولوژیک پیگیری می‌شد. لذا ابزارهای نظامی نه تنها از جایگاه چندان بر خوردار نبودند که به صورت مزاحم نیز فرض می‌شدند. در همین راستا سیاستهایی نیز برای تقلیل بعد نظامیگری نظام در پیش گرفته شد. در واقع به تعبیر یکی از محققان، یکی از قولهایی که نظام در شروع کار خود به مردم داده بود همین کاستن از هزینه‌های نظامی کشور بود.^(۲)

طی دو سال اول، انقلاب به این وعده خود عمل کرد. علاوه بر کاهش نیروهای نظامی، هزینه‌های نظامی ایران نیز از میزان ۱۰/۶ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۶ به رقم ۶/۱ درصد در سال ۱۳۵۸ هـ.ش و ۵/۸ درصد در سال ۱۳۵۹ هـ.ش تقلیل پیدا کرد. رقم واقعی کاهش هزینه‌های نظامی ایران در طول این دوره، زمانی به دست می‌آید که ما کاهش درآمدهای نفتی ایران را نیز طی این دو سال در نظر بگیریم. به عنوان نمونه درآمدهای نفتی ایران، از ۲۱۶۸۴ میلیون دلار سال

۱- برای مطالعه در این زمینه رجوع شود به مقاله نگارنده با عنوان گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال اول، پیش شماره دوم، (تابستان ۱۳۷۷)، صص ۸۲-۶۱.

۱۳۵۷ هـ ش به ۱۳۲۸۶ میلیون دلار در سال ۱۳۵۹ هـ ش کاهش پیدا کرد.^(۱) بی‌توجهی به تواناییهای نظامی فقط محدود به نیروهای نظامی و کاهش هزینه‌های نظامی نبود. در طول این دوره بسیاری از قراردادهای تسلیحاتی ایران با خارج لغو شد، صنایع نظامی ایران دچار رکودی شدید شد، دوره سربازی از دو سال به یک سال کاهش پیدا کرد و ...^(۲)

۲- تناسب موجود میان جمع کل نیروهای نظامی و نیروهای زمینی در مقایسه با توانمندیهای نظامی ایران و عراق به طور کامل متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل دارا بودن ناوگان مستقل دریایی که مستلزم حجمی عظیم از نیروها در این بخش بود و نیز بخاطر توجه بالایی که رژیم گذشته به مسئله نیروی هوایی داشت، دارای حجم بالایی از نیروهای نظامی غیرزمینی بود. این در حالی بود که عراق به دلیل محدودیتهای دریایی همواره از نیروهای دریایی اندکی برخوردار بود. شرایط ژئوپلیتیک خاص این کشور ایجاب می‌کرد که سرمایه‌گذاری عمده‌ای در نیروهای زمینی کند. از مجموع ۲۴۰ هزار نیروهای نظامی ایران در آغاز جنگ، تنها ۱۵۰ هزار نفر جزء نیروهای زمینی بودند. این در حالی بود که در همان زمان از مجموع ۲۴۳ هزار نیروهای نظامی عراق، ۲۰۰ هزار نفر جزء نیروهای زمینی بودند. در واقع از این نظر توازن موجود میان دو کشور ایران و عراق ۶۲ درصد به ۸۲ درصد (درصد نیروهای زمینی به کل نیروهای مسلح) بوده‌است. از نظر مجموع نیروهای زمینی نیز نیروهای عراق در اوایل جنگ حدود ۵۰ هزار نفر بیشتر بوده‌اند. این توازن بعدها دچار شکاف بیشتری به نفع عراق می‌شد، به طوری که در سال پایانی جنگ میزان نیروهای زمینی عراق حدود ۴۵۰ هزار نفر بیشتر از نیروهای زمینی ایران بودند. به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و وجود مرزهای زمینی طولانی میان دو کشور، نقش نیروهای زمینی نسبت به سایر نیروها، در زمان جنگ از برجستگی ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

۳- آمار داده شده در خصوص سخت‌افزارهای سنگین نظامی دو کشور در طول

1- Ruth Sivard, *Ibid.*

2- Kamran Mofid, *Ibid.*, p.72.

جنگ نشان می‌دهد که هرچه به پایان جنگ نزدیک می‌شویم، منحنی توانمندی نظامی ایران به سمت پایین نزول می‌یابد و برعکس منحنی توانمندی نظامی عراق به سمت بالا افزایش پیدا می‌کند. تعداد تانکهای ایران در زمان شروع جنگ حدود ۱۷۳۵ فروند بود. این تعداد در آخر جنگ به حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ فروند می‌رسد. اگر رقم حداکثر یعنی ۶۰۰ فروند را در آخر جنگ ملاک قرار دهیم باید گفت که تانکهای ایران به حدود یک سوم (۳۴ درصد) و هواپیماهای جنگی ایران نیز در آخر جنگ به ۳۸ درصد تنزل پیدا کرد. کمترین کاهش را در سطح نفربر زرهی و توپخانه داشتیم که به ترتیب ۷۶ درصد و ۹۰ درصد آنها باقی مانده بود. البته باید در نظر داشت که این مسئله فقط میزان سخت‌افزارهای آخر جنگ را با قبل از شروع جنگ مقایسه می‌کند. این مسئله نباید باعث شود که میزان تخریب و در نتیجه جایگزینی آنها را مدنظر نداشته باشیم.

در جبهه مقابل (عراق) سخت‌افزارهای نظامی در طول جنگ همواره رو به افزایش بوده است. در اینجا نیز اگر رقم حداکثرها را در نظر بگیریم، می‌بینیم که در سال آخر جنگ سخت‌افزارهای جنگی عراق در مقایسه با ابتدای جنگ به ترتیب زیر افزایش پیدا کرده است:

- تانک از ۲۷۵۰ فروند به ۵۵۰۰ فروند رسید. به عبارت دیگر تعداد تانکها صد درصد افزایش داشته است.

- نفربرهای زرهی عراق از ۱۶۰۰ فروند به ۴۷۵۰ فروند رسید. در اینجا ۱۹۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

- توپخانه عراق از ۱۲۴۰ دستگاه به ۲۸۰۰ دستگاه رسید. به عبارت دیگر تعداد توپخانه عراق ۱۲۵ درصد افزایش داشته است.

- هواپیماهای جنگی عراق نیز از ۳۳۲ فروند به ۸۰۰ فروند رسید. در اینجا نیز حدود ۱۴۰ درصد افزایش داشته است.

۴- از نظر توازن نظامی نیز باید این آمارها را مورد توجه قرار داد. در اینجا سال آخر جنگ را ملاک قرار می‌دهیم.

در این سال میزان تانکهای عراق نسبت به ایران به حدود ۱۰ برابر رسیده بود.

به همین ترتیب میزان نفربر زرهی عراق ۶ برابر، توپخانه عراق ۳/۳ برابر و هواپیماهای جنگی عراق ۸ برابر تجهیزات ایران بوده است. در پایان این بررسی، داده‌های آماری بالا به صورت نمودار نمایش داده می‌شود. در این تحلیل نموداری، تنها سخت‌افزارهای نظامی دو کشور یعنی میزان تانک، نفربر زرهی، توپخانه و هواپیماهای جنگی مورد نظر بوده است. بررسی سطح سخت‌افزارهای نظامی دو کشور به صورت جداگانه آمده است. با مقایسه این دو نمودار نخست منحنی کاهش تسلیحات نظامی ایران و نیز منحنی افزایش تسلیحات نظامی عراق ترسیم می‌شود؛ و دوم توازن نیروهای سخت‌افزاری دو طرف در سالهای گوناگون جنگ مشخص می‌شود.

لازم به یادآوری است که در ترسیم این نمودارها رقمهای حداکثر در تعداد سخت‌افزارهای نظامی یاد شده مدنظر بوده است.

نمودار شماره ۲ : سطح سخت‌افزارهای نظامی عراق در سالهای گوناگون

توضیح: نمودارهای یک و دو با توجه به موارد خاص که در جدول شماره ۳ ذکر شده به وسیله نگارنده ترسیم گردیده‌است.

نتیجه‌گیری

تحلیل کلی جنگ نشان می‌دهد که هنوز از نقش نیروهای نظامی در تأمین امنیت ملی کشورهایی مانند ایران، که در یک منطقه بی‌ثبات و بدون داشتن قابلیت پیش‌بینی‌پذیری قرار گرفته‌اند، چندان کاسته نشده است. با فروپاشی شوروی و اهمیت یافتن مسائل غیرنظامی در تأمین امنیت ملی کشورها، همواره جایگاه ابعاد نظامی در تعریف امنیت ملی مورد چالش بوده است.

طرز تلقی غالب در میان تحلیلگران امنیتی بر این است که از میزان اهمیت توانمندیهای نظامی در حفظ و تأمین امنیت ملی کشورها کاسته شده است. در این میان به دو نکته اساسی نمی‌توان بی‌توجه بود؛ اول اینکه جایگاه ابعاد اقتصادی و اطلاعاتی و نیز سهم تأثیرات بنیادهای سیاسی و اجتماعی کشورها در تعریف امنیت ملی دولت فوق‌العاده گسترش و از سوی دیگر به دلیل ریسک سیاسی - نظامی بسیار بالا، جایگاه استفاده از ابزارهای نظامی در روابط میان قدرتهای بزرگ کاهش یافته است ولی این مسئله برای تمامی روابط موجود در نظام بین‌الملل عمومیت ندارد، بخصوص اینکه دنیای پس از جنگ سرد تا حدود زیادی مبتنی بر هرج و مرج طلبی است. این ویژگی با سیاست انتخابی عمل کردن قدرتهای بزرگ و نیز سیاست یک بام و دو هوای آنها دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کند. در واقع در دوره جدید با توجه به اینکه از سهم منافع ایدئولوژیک کشورها به نفع منافع عینی‌تر آنها در روابط بین‌الملل کاسته شده است، لذا بسیاری از شرایط خارج از منافع این کشورها تعریف می‌شود و در نتیجه هیچ نیازی به توجه ندارد. کشته شدن حدود یک میلیون انسان در جنگ قبیله‌ای در رواندا و توجه نکردن جامعه بین‌الملل به آن شاهد عینی این رویکرد است. با این شرایط نمی‌توان به این نتیجه رسید که نقش توانمندی نظامی از تعریف امنیت ملی کشورها خارج شده است. حتی در دنیای پس از جنگ سرد، این تنش کلی بین کشورهای گوناگون وجود دارد که به دنبال زرادخانه نظامی بزرگ در سطح ملی باشند و یا اینکه تنها به یک نیروی کوچکتر برای مقابله با جنگهای محدود و متکی به حمایت متحدان خارجی اکتفا کنند.^(۱) در مناطق جهان سوم با توجه به عدم شکل‌گیری ساختارهای سیاسی - نظامی در

۱- رابرت ماندل، *چهره امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، صص ۹۱-۹۰.

سطح اتحادیه‌ها و نیز بی‌ثباتی‌های ساختاری، هنوز باید به استراتژیهای ملی برای تأمین امنیت نظامی کشور پناه برد. منطق شرایط جدید در کنار تجربیات جنگی ایران که از راه بی‌توجهی اولیه به عوامل و توانایی‌های نظامی و نیز هجوم غافلگیرانه همسایه اعتمادناپذیر و نیز نقش بالای تواناییهای نظامی در اواخر جنگ به دست آمده‌است، لزوم توجه ویژه به توانمندیهای نظامی را اقتضاء می‌کند. این مسئله بخوبی از سیاستهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از جنگ خود را نمایان ساخته است. در دوران جدید، ایران با توجه به تجربیات گذشته و نیز وارد نشدن در اتحادیه‌های نظامی با بازیگران خارجی، سعی در اتخاذ نوعی سیاست بازدارندگی نظامی داشته است.

در سیاست جدید دفاع و امنیت کشور با اتکا به ابزارهای داخلی و نیز تدارک تسلیحاتی از خارج تأمین می‌شود. برای تدارک تسلیحاتی از خارج، سیاست گسترده نمودن ظرفیتهای تسلیحاتی درپیش گرفته شده‌است؛ و در سیاست بازسازی تسلیحاتی نیز سعی شده است تا ضمن کاهش وابستگی سازمانی به سلاحهای غربی، در زمینه تولید سیستمهای جنگ‌افزایی برای تمامی نیروهای سه‌گانه (زمینی، هوایی، دریایی) مورد توجه قرار گیرد.^(۱)

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: انوشیروان احتشامی، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۹۳-۱۴۱.

